

Creating hope in the Quran based on the thoughts of Javadi Amoli and Allameh Tabatabai

(Received: 04/10/2021 - Accepted: 15/05/2022)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.10.8>

Nafiseh Zarei¹

Somayeh Khoshwaqt²

Abstract

Hope is one of the greatest divine blessings and motivates man to achieve his desires and aspirations. Hope also brings vitality to life and growth that is accompanied by awareness, and hope guarantees the evolution and progress of human societies. In the Holy Qur'an, there are instructions for creating hope, and paying attention to them helps to strengthen and enrich hope. The present study has categorized the teachings of the Qur'an about hope in a descriptive-analytical manner using Quranic verses and has analyzed and studied them based on the thoughts of Javadi Amoli and Allameh Tabatabai. The results show that believing in the oneness of God, resurrection, prophecy and the appearance of the savior of the apocalypse are among the epistemological strategies of the Qur'an for creating hope in human beings. The Holy Qur'an also enumerates factors such as remembrance of God, repentance, migration and jihad, and patience in order to instill hope in a person in the field of behavior.

Keywords: Holy Quran, Hope, Creating Hope, Javadi Amoli, Allameh Tabatabai.

1. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran, Farabi Campus, Qom, Iran. Nafiseh.zarei@ut.ac.ir

2. Graduated from the Holy Quran Science Department, University of Holy Quran Sciences and Education, Malayer, Iran, (Corresponding Author). s.mohagheghi922@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

امیدآفرینی در قرآن با تکیه بر اندیشه‌های جوادی آملی و علامه طباطبایی (ره)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵)

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765317.2022.6.2.10.8>

نفیس زارعی^۱
سمیه خوشوقت^۲

چکیده

امید یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و محرک انسان برای رسیدن به آمل و آرزوهایش است و نیز ملازم روانی زندگانی و رشد است که با احساس و آگاهی، همراه و تضمین‌کننده تکامل و پیشرفت جوامع بشری است. در قرآن کریم برای ایجاد آن، گزاره‌های اعتقادی و رفتاری متعددی مطرح شده که توجه به آن‌ها، ضمن ایجاد امید، به تحکیم و غنی‌سازی آن نیز کمک می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از آیات گران‌بهای قرآنی، این گزاره‌ها را طبقه‌بندی نموده و با تکیه بر اندیشه‌های جوادی آملی و علامه طباطبایی (ره) به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که اعتقاد به یگانگی خدا، معاد، نبوت و ظهور منجی آخرالزمان از راهکارهای معرفتی قرآن برای امیدآفرینی در انسان است. همچنین قرآن کریم جهت القای امید در آدمی، در حوزه رفتاری، عواملی چون ذکر و یاد خدا، توبه، هجرت و جهاد و صبر و بردباری را برشمرده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، امید، امیدآفرینی، جوادی آملی، علامه طباطبایی (ره).

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران.

Nafiseh.zarei@ut.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی رشته علوم قرآن مجید، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ملایر، ایران، (نویسنده
مسئول). s.mohagheghi922@gmail.com



مقدمه

امید یکی از نیازهای اساسی زندگی بشر است که ریشه در سرشت انسانی دارد. امید در حقیقت، موتور محرکه زندگی و اصلی‌ترین عامل پیشرفت تمدن بشر و تکامل جامعه انسانی است که همواره مورد توجه ادیان آسمانی بوده است؛ امید در قرآن این نسخه‌ی شفا بخش الهی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن کریم به کرات از امید به شیوه‌های مختلف سخن رفته است. خداوند متعالی در این کتاب مقدس، بارها انسان را به امید و امیدواری ترغیب و تشویق نموده و از یأس و ناامیدی برحذر داشته است؛ نمونه‌ی بارز آن بیان سرگذشت انبیاء الهی و حوادث تلخ و مرارت بار زندگی آنهاست که می‌تواند همچون سرمشق و الگویی برای بشریت باشد که با رجوع به آن سرگذشت دریابد در پرتو امید و رحمت الهی، شکست‌های انسان به عرصه‌ی تجربه برای موفقیت در آینده تبدیل می‌گردد.

گستره امیدبخشی قرآن، محدود به زندگی دنیوی نبوده، بلکه زندگی اخروی را نیز شامل می‌شود که آیات بشارت به نعمت‌های بهشتی نمونه‌ای از آن است. در ساختار قرآنی، اساس و زیربنای امید به نوع رابطه انسان با خداوند که شکل‌دهنده جهان بینی و مبنای عقیدتی او به شمار می‌آید، برمی‌گردد، از این رو، امید در اصول اعتقادی زندگی انسان جای می‌گیرد. همچنین؛ در بیان قرآنی جایگاه و نقش امید در زندگی، امری بدیهی دانسته شده است و ضرورت روی‌آوری به آن از ضرورت توجه به زندگی و جدی گرفتن آن ناشی می‌شود چنان‌که، کسی که زندگی را جدی و دارای هدف والا می‌داند از ناامیدی حذر می‌کند.

درباره پیشینه موضوع می‌توان گفت: امید در قرآن، موضوعی است که از خلقت آدمی بنیان نهاده شده است و همواره مورد توجه اندیشمندان و مفسران اسلامی بوده است لکن، تاکنون کتاب مستقلی در این زمینه نگاشته نشده است و تنها مفسران قرآنی، ذیل برخی آیات مرتبط با این موضوع، در تفاسیر مطالبی را بیان داشته‌اند. در کتاب اخلاقی نیز مطالبی تحت عنوان رجاء مطرح شده است که از این میان می‌توان به کتب «مبادی اخلاق در قرآن» و «مراحل اخلاق در قرآن» از عبدالله جوادی آملی؛ «معراج السعاده» از ملا احمد نراقی؛ «بهشت اخلاق در قرآن» از مهدی نیلی‌پور اشاره کرد. در بین مقالات کار شده نیز می‌توان به مقاله‌ی «راهکارهای شناختی افزایش امید (امیدآفرینی) در قرآن کریم با تکیه بر اندیشه‌های آیت الله جوادی آملی» از حسین جلالی نوبری؛ «راه‌های امیدآفرینی در قرآن و موانع آن» از حمیداله شریفی؛ «ساختار معنایی امید در آیات قرآن کریم» از مرتضی مهری پور و مسعود آذربایجانی؛ «بررسی مفهوم امید در قرآن و روایات و نقش آن در تربیت انسان» از مجید خاری آرانی و زهرا

علی‌اکبر زاده آرانی اشاره کرد.

در این مقاله درصدد بررسی «امیدآفرینی در قرآن با تکیه بر اندیشه‌های جوادی آملی و علامه طباطبایی» است. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی بوده و با تکیه بر اندیشه‌های دو مفسر بزرگ قرآنی علامه طباطبایی و جوادی آملی، گزاره‌های حاصل از آیات قرآنی در موضوع امید و امیدآفرینی مورد بررسی قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است و بیش از همه از خود قرآن، ظواهر آیات و ترجمه‌ها و تفاسیر آن استفاده شده است.

۱- مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است کلیدواژه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گیرد، از این رو، در ادامه به مفهوم‌شناسی امید در قرآن پرداخته می‌شود.

۱-۱- امید در لغت و اصطلاح

امید به معنای آرزو، استواری، اعتماد، توقع، چشم‌داشت و انتظار است (معین، ۱۳۸۴: ۳۱۲/۱). انتظار برای چیزهای خوب، توقع و چشم‌نیکی از مردم و از هر چیزی داشتن، مقابل بیم که انتظار شر است (دهخدا، ۱۳۶۵: ۳/۳۳۸۴) و در لغت عرب، به معنای ظن و گمان، وقوع خیری ممکن‌الحصول در آینده که با شادی و مسرت همراه باشد، آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۶).

امید در اصطلاح عرفا، دل بستن به چیزی دلخواه که در آینده حاصل خواهد شد و مایه لذت و خوشی دل است، معنا شده است (قشیری، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۲۶۰). در اصطلاح علم اخلاق، امید به راحتی و لذتی که از انتظار تحقق امری محبوب، در قلب حاصل می‌شود، گفته شده است (مؤمنی، ۱۳۹۷: ۲۷).

۱-۲- امید در قرآن

موضوع امید در بسیاری از آیات قرآن کریم با مشتقات متعددی چون رجاء، أمل، طمع، عسی، لعل، خوف، تمنی، خشیت، رغبت، انتظار، بشارت و انذار به کاررفته است که در زیر به تبیین معنای آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- رجاء

در قرآن کریم ۲۸ بار در ۲۱ آیه، امید با لفظ «رجاء» از ریشه «ر ج و» به کاررفته است. رجاء در لغت به معنای امید داشتن (معلوف، ۱۳۸۷: ماده رجاء) و انتظار حصول خیر و میل در آن است (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۸۴/۴) و حقیقت آن عبارت است از حالت نفسانی و شادمانی دل که منتظر فرمان محبوب خویش است و زمانی تحقق می‌یابد که فرد

امیدوار در تهیه‌ی تمام اسباب و شرایط رسیدن به امر مورد انتظار، کوشش و تلاش جدی نماید.

در زبان عربی «رجاء» معانی متفاوتی یافته است، به‌عنوان مثال؛ برخی پنج وجه برای رجاء بیان کرده است: طمع ﴿وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ﴾ (اسراء: ۵۷)؛ خشیت ﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ﴾ (کهف: ۱۱۰)؛ حبس ﴿قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ﴾ (کهف: ۱۱۱)؛ طرف و ناحیه ﴿وَالْمَلِكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا﴾ (الحاقه: ۱۷) و ترک ﴿تَرْجِي مَنْ شَاءَ مِنْ شَاءَ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ شَاءَ﴾ (احزاب: ۵۱) (دامغانی، ۱۴۱۶: ۳۶۲/۱-۳۶۳).

رجاء و امیدواری به مؤمنین نسبت داده شده است: ﴿وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء: ۱۰۴)؛ با این تفاوت که شما از خدا امید پاداش دارید و آنان ندارند و علم و حکمت کار خدا و صفت اوست. «امام سجاد (علیه السلام) در مناجات الراجین از مناجات خمسہ عشر، امید به خدا و رحمت بی‌انتهای الهی را به تصویر می‌کشد. در دعای جوشن کبیر یکی از اسماء الهی «منتھی الراجیا» یعنی نهایت امیدها بیان شده است. در مباحث اخلاقی، رجا بیشتر با «خوف» همراه است، خوف در مقابل رجا این است که انسان از یک طرف خائف و از طرف دیگر امیدوار باشد، یعنی خوف به گونه‌ای نباشد که زمینه‌ی یأس را فراهم کند، بلکه به گونه‌ای باشد که احتمال «عدم زوال مطلوب» یا احتمال «عدم حدوث نامطلوب» در ذهن ظهور کند که در نتیجه، زمینه‌ی رجاء را فراهم آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۸۱/۱۱).

۱-۲-۲-۱- امل

حقیقت لغوی واژه «امل» به معنای آرزو و امید است، ولی آرزویی که انتظاری طولانی در آن وجود دارد؛ یعنی امکان حصول و دستیابی به آن، دور و بعید است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل واژه امل). برخی لغت شناسان امل و رجا را از جهت معنا نزدیک به هم دانسته‌اند و امل را به معنای امید، آرزو و درنگ و انتظار گرفته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۳۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۷۲/۱). در طلبعه‌ی مناجات الراجین امام سجاد (علیه السلام) نیز «امل» به معنای امید به کار رفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۷۲/۱).

واژه «امل» تنها در دو آیه‌ی زیر به کار رفته است:

﴿ذُرِّهِمْ يُأكَلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر: ۳)؛ ره‌ایشان کن بخورند و سرگرم بهره‌گیری از لذت‌ها باشند و آرزوها به خود مشغولشان کند که بزودی خواهند فهمید.

«الْأَمْلُ» در این آیه به معنای انتظار و آرزوی امری بی‌پهوده و به دور از دسترس است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل ریشه کلمه).

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾

(کف: ۶؛)؛ مال و فرزندان زیور زندگی این دنیا است و کارهایی شایسته نزد پروردگارت ماندنی و دارای پاداشی بهتر و امید آن بیشتر است. «الْأَمَلُ» در این آیه به معنای امری نیکو و پسندیده و امید برای دستیابی به آن است (همان).

۱-۲-۳- تمنی

«تمنی» از ماده «منی» بر وزن «مشی» به معنی تقدیر (اندازه‌گیری) و فرض است. راغب در مفردات، معنای «منی» و «تمنی» را نزدیک به هم دانسته است که اغلب به تصورات باطل و چیزهایی که حقیقت ندارد، اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۷۹).

طباطبایی «تمنی» را آرزوهایی می‌داند که انسان تحقق آن‌ها را دوست دارد؛ اعم از این که ممکن باشد یا ممکن نباشد، مثل کسی که فرزندی ندارد و آرزوی داشتن فرزندی می‌کند یا انسانی که آرزوی فناپذیری و جاودانگی می‌کند و یا داشتن دو بال برای پرواز را آرزو می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۵۲/۱۴). جوادی آملی، تمنی را داشتن آرزوی قلبی در ابتدای کار دانسته که هنوز مقدمات کار فراهم نشده است، مانند کشاورزی که بدون شیار کردن زمین و بذرافشانی در آن، منتظر محصول باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۰۲/۱۱). در قرآن این واژه و مشتقات آن ۲۱ بار و بیشتر در معنای آرزوهای نکوهیده به کار رفته است: «وَمَنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره: ۷۸)؛ و پاره‌ای از ایشان بی‌سوادهایی هستند که علمی به کتاب ندارند و از یهودی‌گری نامی بجز مظنه و پندار دلیلی ندارند.

۱-۲-۴- طمع

طمع در لغت به معنای انتظار، امید، چشم‌داشت و توقع و حرص (دهخدا، ۱۳۶۵: ۱۵۳۳/۱۰) و آز و تمایل نفس به سوی چیزی از روی علاقه را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۴). برخی آن را مترادف با «أمل» دانسته‌اند (فیومی، بی‌تا: ذیل ریشه‌ی کلمه). واژه‌ی «طمع» همراه با مشتقاتش در ۱۲ آیه از قرآن به کار رفته است. حقیقت لغوی آن در مقابل بی‌نیازی و اغنای نفس است، به طوری که به دو نوع پسندیده و ناپسند تقسیم شده است:

الف- طمع نیکو و پسندیده

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (شعراء: ۸۲)؛ و کسی که طمع دارم روز رستاخیز گناهم را ببامزد. و «وَمَا لَنَا لَأَنْ نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ» (مانده: ۸۴)؛ چه خواهد بود برای ما اگر ایمان به خدا و بانچه از حق به سویی ما نازل شده بیاوریم که خداوند ما را در سلک مردم صالح در آورد!

ب - طمع زشت و ناپسند

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲)؛ ای زنان پیامبر! شما مثل احدی از سایر زنان نیستید، البته اگر تقوی پیشه سازید، پس در سخن دلربایی مکنید که بیمار دل به طمع بیفتد، و سخن نیکو گوید.»

﴿فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلِكُ مَهْطِعِينَ * عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ عِزِينَ * أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّمَّهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ﴾ (معارج: ۳۶-۳۸)؛ (با اینکه خدای تعالی مقدر فرمود که کفار را با بهشت خود گرامی ندارد) این کفار را که در پیرامون تواند چه می‌شود که چشم از تو بر نمی‌دارند. (و در عین اینکه با همدند) از چپ و راست متفرق می‌شوند. آیا هر یک از آنها طمع آن دارند که تقدیر الهی را بر هم زده داخل بهشت نعیم شوند؟».

۲- راهکارهای امیدآفرینی در قرآن

امیدآفرین معادل امیدبخش است، مایه‌ی امیدواری (اکبری و همکاران، بی‌تا: ۱/۵۷۴) و امیدبخشی به معنای امیدبخشنده، کسی یا چیزی که امیدوار می‌کند، امیدوار کننده. (دهخدا، ۱۳۶۵: ۲۲۴).

منظور از امیدآفرینی یک حالت روانی هیجانی و شناختی است که فرد حالت پیش‌بینی و انتظار وقوع رویداد خوب را دارد و ضمن احساس کارآیی و ثمر بخشی، فرد به این باور می‌رسد که می‌تواند بهتر از قبل به کارهایش رسیدگی نماید و گرایش‌های رفتاری سازگار با حالات مثبت فوق را از خود بروز دهد (شریفی، ۱۳۹۳). در قرآن کریم، گزاره‌های اعتقادی و رفتاری متعددی برای افزایش امید و امیدآفرینی در انسان تعبیه شده است که در ادامه به بررسی این راهکارها پرداخته می‌شود.

۲-۱- امیدآفرینی معرفتی

منظور از امیدآفرینی معرفتی، گزاره‌هایی هستند که در حوزه شناختی انسان پدیدار می‌شود که عبارت است از:

۲-۱-۱- اعتقاد به یگانگی خدا

بررسی آیات قرآنی نشان می‌دهد هرگاه امید به اصل مبدأ تعلق گیرد نه خصوصیت، در این صورت امید به قرینه مقام به اعتقاد و ایمان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۴)؛ بنابراین شناخت و معرفت مبدأ به عنوان مقدمه و شرط لازم در پیدایش حالت «امید» نقش دارد. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف: ۱۱۰)؛ که خدای شما یگانه است پس هر که امید دارد که به پیشگاه پروردگار

خوبش رود باید عمل شایسته کند و هیچکس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.» علامه در تفسیر آیه بیان می‌دارد: «این آیه، آخرین آیه‌ی سوره است که غرض از بیان سوره را خلاصه می‌کند و در آن اصول سه‌گانه‌ی دین را که توحید، نبوت و معاد است» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵۵۶/۱۳). «بِرُّجُوا» در آیه حالتی است از نوعی معرفت و خداشناسی که در نفس آدمی پدیدار گشته و منشأ آثار عملی می‌شود. در واقع، امید به لقاء خدا و ناامیدی از آن، پس از شناخت و معرفت که طبعاً ریشه‌دارتر و مبنایی‌تر است، به‌عنوان علت و اساس دست زدن به اعمال زشت و زیبا و براساس صلاح و فساد انسان و نهایتاً عامل وصول به پاداش و کیفر اخروی مطرح می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۴۰۳-۴۰۴). از این رو، قرآن کریم یکی از مبانی اصلی امید را اعتقاد و باور به خدای متعالی می‌داند و این‌که او در همه جای هستی حضور دارد و قادر است به انسان در مانده و وامانده از همه جا، اما در عین حال خدا باور، امید ادامه حیات داده و به زندگی او معنا بخشد. این باور می‌تواند انسان را در تنهاترین لحظات زندگی امیدوار سازد و بر کوشش و تلاش او در پیوستن به لقاء الله بیفزاید.

به همین علت است که در تلاش و کوشش آدمی در جای جای پهنه‌ی هستی در ورای هر هدفی که دنبال می‌کند، امیدی نهفته است. انسان‌ها هر یک به امید نفعی در حرکتند خواه این بهره، بهره‌ای حیوانی باشد خواه معنوی و متعالی. نفع انسان نیز در این است که تلاش‌های خود را هماهنگ با سایر مخلوقات گیتی، در جهت کمال متمرکز کند، چرا که همه چیز به سوی کمال مطلق می‌رود: ﴿سَجَّ اللَّهُ مَانِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حدید: ۱)؛ به نام خدای رحمان و رحیم. آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند به خاطر اینکه او عزیز و حکیم است.»

از آن‌جا که هدف تمامی آفریدگان، خداوند قادر و داناست؛ تنها آن دسته از فعالیت‌هایی که در جهت الله و هماهنگ با سایر اجزاء خلقت برنامه‌ریزی شده‌اند، سودمند و

نتیجه‌بخش خواهند بود و کوشش‌هایی که چنین نیستند، محکوم به فنا می‌باشند: ﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (قصص: ۸۸)؛ و با خدا معبود دیگری مخوان که جز او معبودی نیست همه چیز هلاک پذیر است مگر ذات پاک او، حکم خاص اوست و به سوی او برمی‌گردید.» به همین دلیل، قرآن کریم بارها انسان را به توحید و وحدت معبود فراخوانده است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵۹۴/۱).

﴿وَالْهَيْكَلُ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره: ۱۶۳)؛ و معبود شما معبودی است یگانه جز او معبودی نیست او رحمان و رحیم است.» و آن را راه فطرت نامیده است: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم: ۳۰)؛ پس روی خود به سوی دین حنیف کن که

مطابق فطرت خدا است، فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونگی نیست، این است دین مستقیم، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.»

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «فطرت در انسان، نوعی هدایت تکوینی در قلمرو شناخت و احساس است و در سطح حیات عقلانی انسان تبلور می‌یابد. از این رو ملاک انسانیت انسان به شمار می‌رود. انسان در پرتو فطرت حقایق را شهود می‌کند و به حقایق نیز تمایل و گرایش دارد. در همین راستا، یکی از اموری که انسان به‌طور فطری بدان گرایش دارد، خداباوری است. از نظر فطری، تمامی انسان‌ها خداجو و خداخواه هستند و هیچ‌کس از حقیقت رویگردان نیست و همه فطرتاً به او عشق می‌ورزند، هر چند ممکن است در مقام عمل دچار انحراف گردند و چیزی را که واقعاً کمال مطلق نیست به جای آن بنهند و آن را معشوق خود برگزینند. وجود چنین احساسی در انسان دلیل بر واقعیت داشتن کمال مطلق است و مقصود از خدا نیز، چیزی جز کمال و جمال مطلق و لایتناهی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۰).

فطرت توحیدی در نهاد همه‌ی انسان‌ها وجود دارد، چنان‌که خداوند می‌فرماید:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَعْيَانِهِمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (بقره: ۲۱۳).

در آغاز همه‌ی افراد بشر، امت واحدی بودند و جز توحید در میان آن‌ها آیین دیگری نبود «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً». این فطرت توحیدی در ابتدا دست نخورده بود، با گذشت زمان بر اثر افکار کوتاه و گرایش‌های شیطانی، دستخوش دگرگونی شد، گروهی از جاده‌ی توحید منحرف شدند و به شرک روی آوردند. به همین دلیل جامعه‌ی انسانی به دو گروه مختلف تقسیم شد، گروهی موحد و گروهی مشرک. بنابراین شرک در واقع یک نوع بدعت و انحراف از فطرت است، انحرافی که از مشتی اوهام و پندارهای بی‌اساس سرچشمه گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۱/۲).

از سوی دیگر؛ امید به قدرتی برتر در لحظه‌های خطر، خود دلیلی بر وجود این گرایش فطری است؛ چراکه؛ «وقتی توحید در جان انسان رسوخ کند، بسته به مراتب آن او را دارد. از این رو غمگین و وحشت زده نیست و قهراً هیچ چیز نمی‌تواند موجب دلهره و یأس او شود، چون معتقد به مبدئی است که اول و آخر نظام هستی است:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

«توحید و ایمان به خدا با اطمینان دل ملازم‌اند، یعنی وقتی انسان موحد واقعی است که با یاد خدا به آرامش راه یابد، پس اثر توحید، اطمینان و آرامش دل است. انسان، همتی جز تحصیل سعادت و خوفی جز ترس، شقاوت و نعمت ندارد و زمام سعادت و خیر به دست خداست و ایمان به خداوند، انسان را به ایمنی می‌رساند» (جوادى آملى، ۱۳۸۵: ۵۶۳).

از نظر علامه طباطبایى نیز، ایمان عبارت است از؛ جای‌گیر شدن اعتقاد در قلب؛ مانند این‌که شخصی با ایمان، به کسی که به درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می‌دهد، یعنی به او چنان دل‌گرمی و اطمینان می‌دهد که هرگز در اعتقاد خویش دچار شک و تردید نمی‌گردد، چرا که آفت اعتقاد و ضد آن، شک و تردید است (طباطبایى، ۱۴۱۷: ۱/۴). به همین دلیل، انسانی که به خدای متعالی ایمان آورده، در روش به واسطه‌ی این ایمان، چنان اطمینان و دل‌گرمی حاصل می‌شود که در برابر تمامی ناملایمات زندگی، مقاومت و صبر می‌نماید و نه تنها احساس یأس و ناامیدی نمی‌کند، بلکه به دلیل این‌که خدا را همواره ملازم و همراه با خود می‌داند، برای رسیدن به آینده‌ای بهتر و سرشار از موفقیت، تلاش افزون‌تری می‌نماید.

۲-۱-۲- اعتقاد به معاد

اعتقاد به معاد و قیامت، یکی دیگر از مبانی اساسی امید از نگاه قرآن کریم است. براساس نگرش قرآنی، دنیا محل رسیدن انسان به تمام اهداف زندگی نیست؛ چراکه اهداف دست نیافته‌ی بسیاری برای بشر در این دنیا وجود دارد که با عبور از عالم ماده و گذر از دنیای فانی، انسان‌ها به آنها خواهند رسید؛ لذا، حرکت به سوی زندگی پایدار و دستیابی به اهداف والاتر، نیازمند موتور محرکه امید می‌باشد. از این رو؛ اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ، تأثیر شگرفی در روحیه‌ی انسان دارد. چنان‌که خداوند متعالی یاد مرگ و تمنای آن را، یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی و کسانی که دارای ایمانی راستین و ثابت‌اند، معرفی می‌کند: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۹۴)؛ بگو اگر خانه آخرت نزد خدا در حالی که از هر ناملایمی خالص باشد، خاص برای شما است و نه سایر مردم و شما در این دعوی خود، راست می‌گوئید پس تمنای مرگ کنید تا زودتر بان خانه برسید.» امید به آینده برای انسان موحد، ثمرات بهتر و صحیح‌تری دارد. در آیات قرآنی برای بیان اعتقاد به معاد از عبارت امید به معاد استفاده شده است:

﴿فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ﴾ (عنکبوت: ۳۶)؛ ای قوم من، خدا را بپرستید و به روز قیامت امیدوار باشید و پیامبر اسلام (ﷺ) را برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند.»

توجه به این نکته حائز اهمیت است که گرچه امید بستن به روز قیامت، از امید بستن به خداوند، جدا نیست، لیکن چون انتظار روز رستاخیز، روز تعیین سرنوشت است، قیامت و معاد، مستقلاً از تعلقات امید شمرده شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۱۲۶). از سویی دیگر خداوند در آیه‌ی ۱۱۰ سوره‌ی کهف، پیروی از دین را مشروط به رجا و امید به معاد نموده، نه یقین به معاد، به این دلیل که تنها احتمال بودن معاد و امید به فرارسیدن چنین روزی، کافی است که آدمی را به پیروی از دین وادار سازد، چرا که دفع ضرر احتمالی واجب است (همان: ۴۰۵/۱۳).

خداوند متعال در سوره ممتحنه نیز می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (ممتحنه: ۶)؛ از میان شما آنهایی که امیدوار به خدا و روز جزایند همواره در ابراهیم و یارانش الگو داشته‌اند و اما آنهایی که از شما هنوز هم کفار را دوست می‌دارند خدای تعالی بی‌نیاز و ستوده است.»

در آیه‌ی فوق که سخن از ابراهیم (علیه السلام) و همراهان او، به عنوان پیشوای بزرگ و مورد احترام همه اقوام، است، منظور از امید به خدا، امید ثواب خدا در برابر ایمان اوست و منظور از امید آخرت، امید به پاداش‌هایی است که خداوند وعده‌ی آن را به مومنان داده، از این رو امید به آخرت کنایه است از ایمان به آخرت (همان: ۲۳۳/۱۹). لذا، در آیات قرآنی حقیقت امید به آخرت، ایمان به آخرت معرفی شده است؛ در واقع در بینش قرآنی از امید، ایمان تعبیر شده است و کسی که ایمان دارد، اعتقاد و امید راسخ نیز دارد. در چنین فردی، ناامیدی هرگز نمی‌تواند نفوذ نماید.

۲-۱-۳- اعتقاد به نبوت

یکی دیگر از اصول اعتقادی که نقش مهمی در رفتار آدمی و افزایش روحیه‌ی امید و امیدواری در او دارد، موضوع نبوت و اعتقاد به حقانیت انبیا و اولیای الهی است. انبیای الهی با نوید رحمت و بشارت رستگاری برای تمامی انسان‌ها ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ (نساء: ۱۶۵)؛ بسترساز اصلی صلح و برادری در پرتو رهانیدن انسان از اسارت‌ها و بردگی‌های دنیوی ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات: ۱۳)؛ هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را تیره‌هایی بزرگ و تیره‌هایی کوچک قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید نه اینکه به یکدیگر فخر کنید و فخر و کرامت نزد خدا تنها به تقوی است و گرامی‌ترین شما باتقوی‌ترین شما است که خدا دانای با خبر است.» همچنین وسیله‌ی مناسبی برای افزایش روحیه‌ی امیدواری میان انسان‌ها بوده‌اند. پیشرفت و تکامل جوامع بشری حاصل همین امیدپروری انبیاء بوده است.

به مدد وجود انبیاء و وحی بر آنان، اختلافات جوامع بشری مرتفع و حجیت خداوند بر مردم اتمام یافته است:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهَا﴾ (بقره: ۲۱۳)؛ مردم قبل از بعثت انبیاء همه یک امت بودند خداوند به خاطر اختلافی که در میان آنان پدید آمد انبیائی به بشارت و انذار برگزید و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند این بار در خود دین و کتاب اختلاف کردند»

علامه طباطبائی در ذیل آیه می‌گوید: «نوع بشر به مقتضای طبیعتش مدنی است و برحسب غریزه فطری ناگزیر است که به طور اجتماعی زندگی کند. در این طریق زندگی بود که دریافت هر صاحب حقی باید به حق خود رسد و این همان عدالت اجتماعی است که تنها در پرتو دین میسر می‌گردد، چرا که دین، عقاید و اخلاق و رفتار بشر را اصلاح می‌کند. بنابراین در چنین موقعیتی، بشر تشنه‌ی قوانین و تعلیمات انبیاء و هدایت‌های آنان گشت تا به اختلافات خود پایان دهد، چرا که تنها راه رفع اختلاف‌های آدمیان منحصر در تفهیم الهی از راه وحی و نبوت بود. به همین دلیل خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را به سرای باقی و نعمت‌های بی‌بدیلش بشارت دهند و از عذاب‌های اخروی انذار کنند و در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، حکومت کنند ﴿بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾ و به این ترتیب، ایمان به انبیاء و تمسک به تعلیمات آن‌ها و کتب آسمانی آنان، آتش اختلافات را مهار کرد. به بیانی دیگر، رهنمودهای انبیاء بر توفیق انسان برای یافتن راه راست می‌افزاید و آن‌ها را از اختلافات و مشاجرات دنیاپرستان بی‌ایمان برکنار می‌دارد و آرامش روح و اطمینان خاطر و سلامت جسم و جان به آدمی می‌بخشد و روح فسرده‌ی او را دوباره زنده و او را برای ادامه زندگی‌ای سرشار از طراوت و امید به آینده، آماده و مهیا می‌گرداند» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰۹/۲-۱۱۱).

انبیاء الهی نه تنها امیددهنده به دیگران، بلکه خود از برترین امیدواران به خداوند متعال بوده‌اند.

انبیاء الهی همواره امید به یاری و امداد خداوند در مواجهه با مصائب و مشکلات ﴿قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (نمل: ۴۶)؛ گفت: ای قوم چرا شتاب دارید که حادثه بد پیش از حادثه خوب فرا رسد، چرا از خدای یکتا آمرزش نمی‌خواهید، شاید مورد لطف و رحمت خدا قرار گیرید.»

و نیز به استجابت دعایشان ﴿فَأَسْجَبْنَا لَهُ﴾ (انبیاء: ۹۰) از سوی پروردگار امیدوار بودند. امید ابراهیم به استجابت دعای خویش و بی‌پاسخ نماندن آن از سوی پروردگار ﴿وَأَدْعُوا

رَبِّي... وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (مریم: ۴۸-۵۰)؛ و پروردگارم را می‌خوانم شاید در مورد دعای پروردگارم کم اطلاع نباشم... و از رحمت خویش به آنها عطا کردیم و ذکر خیر بلند آوازه‌ای به ایشان دادیم.»

نیز امیدواری پیامبر گرامی اسلام به رحمت الهی و گشایش رزق و روزی به همراه کوشش (وَإِمَّا تَعْرِضْ عَنْهُمْ اغْنَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا) (اسراء: ۲۸)؛ و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق مذکور چون فعلا نادر هستی ولی در آتیه به لطف خدا امیدواری، اکنون اعراض می‌کنی و توجه به حقوقشان نتوانی کرد باز به گفتار خوش و زبان شیرین، آن‌ها را از خود دلشاد کن.» تنها بخشی از جلوه‌های امیدواری انبیاء به فضل و رحمت الهی است.

اعتقاد به نبوت و الگوگیری از زندگی و روش رفتاری پیامبران الهی به عنوان شخصیت‌های کامل انسانی، می‌تواند سبب تکامل آدمی و ایجاد امید در زندگی فردی و اجتماعی انسان گردد.

۲-۱-۴- اعتقاد به موعود آخرالزمان

یکی از آرزوهای دیرینه‌ی بشر، گسترش عدالت به معنای واقعی در جهان است. این امید در ادیان الهی به صورت اعتقاد تجلی یافته است، پیروان ادیان الهی معتقد به ظهور و تجلی منجی آخرالزمان بوده که جهان را به سوی صلح و صفا حرکت می‌دهد. آنان به فرارسیدن روزی امید دارند که متقیان و صالحان بر دنیا حکومت کنند: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛ در زبور از پی آن کتاب (تورات) چنین نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به میراث می‌برند.»

در آموزه‌های اسلامی نیز، خداوند به مؤمنان در زمینه‌ی پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر بشارت داده است که نمونه‌ی آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله حضرت مهدی (عج) است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)؛ ما در برابر او خواستیم بر آنان که در زمین ضعیف شمرده شدند منت نهاده ایشان را پیشوایان خلق کنیم و وارث دیگران قرار دهیم.» این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می‌دهد و شکی نیست که هرگاه اراده‌ی الهی بر تحقق امری تعلق گیرد، آن مسئله قطعاً عملی خواهد شد و هیچ مانعی نمی‌تواند سد آن گردد.

همچنین در آیات ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُشِيرَهُمْ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾، هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۲-۳۳)؛ می‌خواهند نور خدا را با دهنهای خود خاموش کنند و خدا

نمی‌گذارد و دست برنمی‌دارد تا آنکه نور خود را به کمال و تمامیت برساند، هر چند کافران کراحت داشته باشند. اوست که پیغمبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دینها غلبه دهد اگر چه مشرکان کراحت داشته باشند.»

نیز عیناً و با همین الفاظ در آیه‌ی ۹ سوره‌ی صف آمده است و با تفاوت مختصری در آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی فتح نیز تکرار شده، خداوند سبحان خبر از واقعه‌ی مهمی می‌دهد و آن جهانی شدن اسلام و عالم گیر شدن این آیین است و خداوند به وسیله‌ی سیاق آیه که دائر بر این است که تلاش‌های مذبحخانه دشمنان اسلام به جایی نمی‌رسد، تکمیل می‌کند و از این رهگذر روحیه‌ی امیدواری را در کالبد جامعه می‌دمد، چرا که ارسال رسول همراه با هدایت و دین درست را ناظر به پیروزی منطقه‌ای و محدود گرفته‌اند که در عصر پیامبر (ﷺ) و یا زمان‌های بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت گرفت، ولی با توجه به مطلق بودن آیه، مفهوم آن پیروزی همه جانبه‌ی اسلام بر همه‌ی ادیان جهان است، هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و طبق روایات مختلف، تکامل این برنامه‌ی هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی (عج) ظهور کند و به برنامه‌ی جهانی شدن اسلام تحقق بخشد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۹/۱۶).

انتظار فرج در آیات متعدد دیگری نیز در قرآن مطرح شده است (نور: ۵۵؛ یونس: ۱۳ و ۱۴؛ اعراف: ۱۳۷ و...) اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو امید به فرارسیدن گشایش از سوی خداوند، در زمره‌ی برترین اعمال شمرده شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است.

آیت الله جوادی آملی درباره‌ی فلسفه‌ی این امیدواری می‌گوید: «انتظار فرج در انسان منتظر، امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید نقش بزرگی در سعی و کوشش ایفا می‌کند. انتظار فرج از آن رو مورد تأکید و توصیه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفته است که در انسان منتظر، امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید، نقش بزرگی در سعی و کوشش ایفا می‌کند» امیرمؤمنان و امام عارفان (علیه السلام) توصیه می‌فرمایند که انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند عزوجل، انتظار فرج و گشایش است و باز در همین زمینه سید ساجدان (علیه السلام) می‌فرمایند: «انتظار فرج داشتن خود از بزرگترین فرج‌هاست».

سرّش آن است که اگر اندیشه کسی این باشد که هیچ کوششی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با طاغوتیان و مقاومت در برابر دشواری‌ها نخواهد داشت.

اما اگر کسی به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم و ستم و بیداد رخت خواهد بست برای رسیدن به چنین جامعه‌ای نه تنها خودسازی خواهد کرد، بلکه تلاش می‌کند با دگرسازی، زمینه‌ی تشکیل آن دولت کریمه را فراهم کند (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

۲-۲- امیدآفرینی رفتاری

منظور از امیدآفرینی رفتاری، گزاره‌هایی هستند که در حوزه‌ی روش‌های رفتاری و عملی فرد بروز کرده و سبب افزایش امید در او می‌شود که عبارت است از:

۲-۲-۱- ذکر و یاد خدا

ذکر و یاد خدا سبب می‌شود که فرد به خالق یکتا متصل گردد. این ذکر گاه در قالب الفاظ متبلور می‌شود و گاه در دل که البته ذکر قلبی و یاد درونی مرتبه‌ای بالاتر است و نتیجه آن نیز آرامش جان است:

﴿الْبِذْكَرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸)؛ هر قلبی با ذکر خدا اطمینان می‌یابد و اضطرابش تسکین پیدا می‌کند؛ علامه طباطبایی گوید این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی مستثنا نیست، مگر این که کار قلب به جایی برسد که در اثر از دست دادن بصیرت و رشدش، دیگر نتوان آن را قلب نامید که چنین قلبی از ذکر خدا گریزان و از نعمت طمأنینه و سکون محروم خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۴۸۳).

هر کس از ذکر خداوند اعراض نماید، در زندگانی دنیوی دچار ناآرامی و اضطراب، تشویش و افسردگی می‌گردد و در زندگانی اخروی نیز، کور و نابینا محسور می‌شود: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه: ۱۲۴)؛ و هر کس از کتاب من روی بگرداند وی را روزگاری سخت خواهد بود و او را در روز قیامت کور محسور کنیم»

در دستورهای دینی نیز آمده است، اگر سیئه‌ای مرتکب شدید، فوراً حسنه‌ای انجام دهید تا آن را جبران نمایید؛ زیرا با متراکم شدن سیئه، چرک و غبار در جان ایجاد و انسان بیمار می‌شود؛ از این رو، یاد دائمی خداوند توصیه شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۱).

اساس تنگی زندگانی دنیوی نیز، بیشتر به دلیل کمبودهای معنوی و نبودن غنای روحی، عدم اطمینان و ناامیدی به آینده، ترس از نابود شدن امکانات موجود و وابستگی بیش از حد به جهان ماده است. اگر آدمی مقام پروردگار خویش را بشناسد و به یاد او افتد و در همه‌ی مراحل زندگی او را فراموش نکند؛ زندگی دنیوی در مقابل زندگانی اخروی برایش رنگ می‌بازد و دلش به آنچه خداوند برایش تقدیر کرده قانع می‌شود و

معیشتش هر چه باشد، برایش فراخ گشته و از نگرانی‌ها در امان می ماند، چرا که ذکر خداوند، مایه‌ی آرامش جان و سکون خاطر است و اعراض از ذکر او مایه‌ی اضطراب و ترس و نگرانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۲۵/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۲۷/۱۳). علامه طباطبایی، نماز را از مهم‌ترین مصادیق ذکر و یکی از راه‌های تقویت و پرورش روحیه‌ی امید در امیدواران دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۷۷) که در سرلوحه‌ی دعوت همه‌ی پیامبران الهی بوده است تا به مدد آن، آدمی امید اصلی خود را از دست نداده، یاد او از دل و جان‌ش زوده نشود: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه: ۱۴)؛ من خدای یکتایم، معبودی جز من نیست، عبادت من کن و برای یاد کردن من نماز به پا کن.»

۲-۲-۲- توبه و بازگشت به سوی خداوند

یکی دیگر از عواملی که سبب افزایش روح امید در آدمی می‌گردد، امید به مغفرت و آمرزش الهی از طریق توبه و بازگشت به پیشگاه اوست. توبه، راهی است که خداوند برای رهایی انسان‌ها از یأس و ناامیدی قرار داده است تا همگان بدانند که آفریدگارشان پذیرنده افراد عاصی است:

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ﴾ (شوری ۲۵)؛ و هموست خدایی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از گناهان عفو می‌فرماید، و به آنچه می‌کنید دانا است.» انسان گنهکاری که با گناه خویش دچار عصیان شده و امید خویش را در زندگی از دست داده است با انابه می‌تواند، امید حقیقی را در خویش بازسازی نماید. در قرآن نیز، انابه‌کنندگان کسانی معرفی شده‌اند که از نظر بینش به خدا ایمان داشته و دل‌هایشان نسبت به ذکر و یاد خدا به اطمینان رسیده است و تحت تربیت الهی در یک نوع آرامش بینشی و نگرشی قرار گرفته‌اند: ﴿وَيَهْدِي إِلَيْهِم مِّنْ أَنبَابٍ * الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِن قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ﴾. (رعد: ۲۷ و ۲۸) (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

علامه طباطبایی توبه را عامل استحقاق هدایت برشمرده و بیان می‌دارد خداوند متعالی تنها کسانی را هدایت می‌کند که به سویی توبه کنند. توبه همان ایمان و اطمینان قلب به وسیله ذکر خداوند است. از این رو، ایمان آوردندگان واقعی که دل‌هایشان با یاد و ذکر خداوند آرام می‌گیرد، به مقام انابه می‌رسند و تنها این گروه‌اند که مورد هدایت الهی قرار می‌گیرند (طباطبایی: ۱۴۱۷: ۳۵۲/۱۱).

۲-۲-۳- صبر و بردباری

از صبر و بردباری در برابر مشکلات و تحمل سختی‌ها امید جوانه می‌زند. انسان‌های ضعیف دچار یأس و ناامیدی می‌شوند، اما انسان‌های قوی، صبور و مؤمن هیچ‌گاه

تسلیم عوامل یأس و ناامیدی نخواهند شد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۰۷).

صبر نیروی مثبت و نشاط‌انگیزی در انسان مؤمن ایجاد می‌کند که با تبدیل دشواری‌ها به پلکان رشد و ترقی، در جهت معرفت بیشتر پروردگار و موفقیت در کارها گام برداشته، ایمانش مستحکم‌تر می‌شود. (موسوی لاری، ۱۳۸۶: ۲۴۹ - ۲۵۲) تحمل مشکلات و مقاومت در برابر عوامل یأس آور، به پیروزی می‌انجامد و این همان توصیه‌ی حضرت یعقوب (علیه السلام) به فرزنداناش است که به آنان می‌فرماید: «شکیبا باشید و از فرج بعد از شدت غافل نشوید»: ﴿يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُوْسُفَ وَاَخِيهِ وَلَا تَيَّأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ﴾ (یوسف: ۸۷).

هیچ صاحب ایمانی نمی‌تواند و نباید از روح خدا مایوس و از رحمتش ناامید شود، زیرا یاس از روح خدا و نومیدی از رحمتش در حقیقت محدود کردن قدرت او، در معنا کفر به احاطه و سعه‌ی رحمت اوست، هم چنان که در آن‌جا که گفتار یعقوب (علیه السلام) را حکایت می‌کند می‌فرماید: ﴿اِنَّهٗ لَا يَتَّأَسُّ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۳۲۰).

۲-۲-۴- هجرت و جهاد

قرآن کریم از هجرت و جهاد به عنوان عوامل امید به رحمت الهی یاد کرده است: ﴿اِنَّ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَجَاهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ﴾ (بقره: ۲۱۸)؛ کسانی که ایمان آوردند و کسانی که مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آنان امیدوار رحمت خدا باشند که خدا غفور و رحیم است. بر طبق آیه‌ی فوق مؤمنان، مهاجران و مجاهدان همگی به رحمت الهی امیدوارند و این نشان‌ی آن است که امید به رحمت الهی به مهاجران و مجاهدان اختصاص ندارد بلکه همه‌ی اهل ایمان چنین هستند. عطف «الَّذِيْنَ هَاجَرُوا» به «الَّذِيْنَ ءَامَنُوا» نشان می‌دهد هم مؤمنان اهل هجرت و جهاد به رحمت الهی امیدوارند و هم مؤمنانی که توفیق هجرت و جهاد نیافته‌اند.

براین اساس، امیدواران به رحمت الهی مراتبی دارند: مؤمنان اهل هجرت و جهاد در راه خدا در مرتبه‌ای بالاتر از رجای واثق و رحمت خاص برخوردارند و مؤمنان غیرمهاجر و مجاهد در مرتبه‌ی متوسط یا ضعیف از رجا و رحمت قرار دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۶/۱۱-۳۷).

علامه طباطبایی نیز کلمه «رحمت» را دارای مفهوم وسیعی می‌داند که هر گونه خیر و برکت و سعادت را در این جهان و جهان دیگر در بر می‌گیرد؛ بنابراین با فریضه‌ی هجرت و جهاد، می‌توان به دریافت رحمت الهی و زندگی در جوار قرب او، منتظر و امیدوار بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۸/۹).

نتیجه

با بررسی و تحلیل موضوع «امیدآفرینی در قرآن با تکیه بر اندیشه‌های جوادی آملی و علامه طباطبایی (ره)» چنین حاصل می‌شود که امید؛ به معنای آرزو، استواری، اعتماد، توقع، چشم داشت و انتظار است که در بسیاری از آیات قرآن کریم با مشتقات متعددی چون رجا، امل، طمع، عسی، لعل، خوف، تمنی، خشیت، رغبت، انتظار، بشارت و انذار به کار رفته است. در قرآن کریم گزاره‌های اعتقادی و رفتاری متعددی برای افزایش امید و امیدآفرینی در انسان تعبیه شده و هر کدام از این دو مفسر، به نوعی به این مباحث در اندیشه‌های تفسیری خود اشاره داشته‌اند.

از جمله گزاره‌های اعتقادی می‌توان اعتقاد به خدا و یگانگی او، معاد، نبوت و ظهور منجی برشمرد. اعتقاد به توحید و وحدت معبود که به صورت فطری در نهاد تمامی انسان‌هاست، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله در ایجاد امید در آدمی است و امید واقعی و حقیقی نیز، امیدی است که همواره خداوند، وجود او و حاضر و ناظر بودن او را به آدمی گوشزد می‌نماید.

اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ، تاثیر شگرفی در روحیه‌ی انسان دارد، چنان‌که خداوند متعالی، یاد مرگ و تمنای آن را، یکی از ویژگی‌های مؤمنان واقعی و کسانی که دارای ایمانی راستین و ثابت‌اند، بر می‌شمارد. اعتقاد به نبوت و الگوگیری از زندگی و روش رفتاری پیامبران الهی به عنوان شخصیت‌های کامل انسانی، نیز می‌تواند سبب تکامل آدمی و ایجاد امید در زندگی فردی و اجتماعی انسان گردد.

انتظار فرج در انسان منتظر، امید به آینده ایجاد خواهد کرد و همین امید نقش بزرگی در سعی و کوشش ایفا می‌کند.

همچنین قرآن کریم جهت القای امید در آدمی، در حوزه‌ی رفتاری زندگانی آدمی، عواملی چون ذکر و یاد خدا؛ توبه و بازگشت به سوی خداوند؛ هجرت و جهاد و صبر و بردباری را برشمرده است که توجه به آنها، ضمن ایجاد امید، به تحکیم و غنی‌سازی آن نیز کمک می‌کند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴): «معجم مقاییس اللغة»، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۲. اکبری، حسن و همکاران (بی تا): «فرهنگ بزرگ سخن»، تهران: مهارت.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش): «تسنیم، تفسیر قرآن کریم»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۴. ----- (۱۳۸۸ش): «جامعه در قرآن»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۵. ----- (۱۳۸۷ش): «حکمت عبادات»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهاردهم.
۶. ----- (۱۳۸۵ش): «مراحل اخلاق در قرآن»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
۷. ----- (۱۳۸۵ش): «توحید در قرآن»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ نهم.
۸. ----- (۱۳۷۹ش): «معرفت شناسی در قرآن»، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۹. دامغانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق): «الوجوه والنظائر لالفاظ کتاب الله العزیز»، قاهره: مجلس الاعلی للشتون الاسلامیه.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۵ش): «لغت نامه»، موسسه انتشارات لغت نامه دهخدا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «المفردات فی غریب القرآن»، دمشق: انتشارات دارالعلم الشامیه، چاپ اول.
۱۲. شریفی، حمیداله (۱۳۹۳ش)، «راه‌های امیدآفرینی در قرآن و موانع آن»، بی جا.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق): «العین»، قم: هجرت، چاپ دوم.
۱۵. فیومی، احمد بن محمد (بی تا): «مصباح المنیر»، بی جا.
۱۶. قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۷ش): «رساله قشیری»، ترجمه حسن بن احمد عثمانی، تهران: انتشارات زوار، چاپ اول.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰ش): «سجاده های سلوک»، چاپ اول، وزیری.
۱۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۹. معلوف، لویس (۱۳۸۷ش): «فرهنگ بزرگ جامع نوین»، ترجمه ی المنجد، ترجمه احمد سیاح، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات اسلام.
۲۰. معین، محمد (۱۳۸۴ش): «فرهنگ فارسی»، تهران: سپهر.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. موسوی لاری، سید مجتبی (۱۳۸۶ش): «رسالت اخلاق در تکامل انسان»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۳. مومنی، علی اکبر (۱۳۹۷ش): «امید در زندگی»، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۴. سایت مهرنیوز، سخنرانی آیت الله جوادی آملی، ۱۳۹۸/۹/۵: www.ourpresident.ir

References

The Holy Quran

1. Ibn Faris, Ahmad (2025 AD): "Dictionary of Comparisons of Language", researcher: Abdul Salam Mohammad Harun, Qom: Maktab al-Alam al-Islami, first edition.
2. Akbari, Hassan, and colleagues (no date): "Farhang Bozorg Sokhan", Tehran: Maharat.
3. Javadi Amoli, Abdullah (2010 AD): "Tasnim, Interpretation of the Holy Quran", Qom: Esra Publishing Center, second edition.
4. ----- (2009 AD): "Society in the Quran", Qom: Esra Publishing Center, second edition.
5. ----- (2008 AD): "The Wisdom of Worship", Qom: Esra Publishing Center, fourteenth edition.
6. ----- (2006 AD): "Stages of ethics in the Qur'an", Qom: Esra Publishing Center, fifth edition.
7. ----- (2006 AD): "Monotheism in the Quran", Qom: Esra Publishing Center, ninth edition.
8. ----- (2000 AD): "Epistemology in the Quran", Qom: Esra Publishing Center, second edition.
9. Damghani, Hussein Ibn Muhammad (1996 AD): "The facets and appearances of the words of the book of God Almighty", Cairo: The Supreme Assembly for Islamic affairs.
10. Dekhoda, Ali Akbar (1986 AD): "Dictionary", Dekhoda Dictionary Publishing Institute.
11. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad (1992 AD): "Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran", Damascus: Dar Al-Alam Al-Shamiya Publications, first edition.
12. Sharifi, Hamidaleh, (2014 AD), "Ways to create hope in the Qur'an and its obstacles", no placed.
13. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein (1997 AD): "Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran", Qom: Qom Seminary Teachers Association Publishing Office, fifth edition.
14. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1997 AD): "Al-Ain", Qom: Hijrat, second edition.
15. Fayumi, Ahmad ibn Muhammad (no date): "Mesbah al-Munir", no placed.
16. Qushairi, Abdolkarim bin Hawazan (2008 AD): "Qushayriyah treatise", translated by Hassan bin Ahmad Osmani, Tehran: Zavar Publications, first edition.
17. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2011 AD): "Rugs of conduct", first edition, Vaziri.
18. Mustafavi, Hassan (1981 AD): "Research in the words of the Holy Quran", Tehran: Book Translation and Publishing Company.
19. Maalouf, Lewis (2008 AD): "The Great New Comprehensive Culture", translated by Al-Munajjid, translated by Ahmad Sayyah, twenty-fifth edition, Tehran: Islam Publications.
20. Moin, Mohammad (2005 AD): "Persian Culture", Tehran: Sepehr.
21. Makarem Shirazi, Nasser and others (1995): "Sample Interpretation", Tehran: Islamic Library.
22. Mousavi Lari, Seyed Mojtaba (2007 AD): "The mission of ethics in human evolution", Qom: Islamic Propaganda Office, fifth edition.
23. Momeni, Ali Akbar (2018 AD): "Hope in life", Tehran: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, first edition.
24. Mehrnews website, speech by Ayatollah Javadi Amoli, 5/9/1398: www.ourpresident.ir